

تصمیمات قضائی

۱ - جزائی

حکم شماره ۴۹۴۰ دیوان عالی کشور ۳۳/۱۱/۷

راجع بجرح منتهی بفوت بوسیله اسلحه قاچاق موضوع مواد ۱۷۱ قانون مجازات عمومی و ۴۳ قانون کیفر مرتکبین قاچاق و ۳۶ قانون مجازات عمومی. جوانی که هفده ساله معرفی شده با اتهام ایراد جرح منتهی بفوت بوسیله اسلحه قاچاق مورد تعقیب واقع و پس از تحقیقات لازمه و اقامه دعوی از طرف دادسرای شهرستان و تطبیق اعمال انتساییه بمواد ۱۷۱ قانون مجازات عمومی و ۴۳ قانون کیفر مرتکبین قاچاق و ۳۶ قانون مجازات عمومی با رعایت ماده ۲ ملحقه باصول محاکمات جزائی و درخواست رسیدگی و صدور حکم بر مجازات او از دادگاه جنحه - محکمه مزبور پس از رسیدگی متهم را با رعایت تخفیف در قسمت قاچاق اسلحه بیکماه و نیم حبس در دارالتأدیب و در قسمت ارتکاب جرح منتهی بفوت بدو سال حبس در دارالتأدیب محکوم کرده حکم مزبور در مرحله استینافی باستناد اینکه موافق تصدیق پزشکی و سائزاده که در باره خود قید کرده سن متهم را چون در تاریخ وقوع بیش از هیجده سال تمام تشخیص داده از این رو محکمه جنحه را غیر صالح و دادگاه جنائی را صالح برای رسیدگی دانسته و حکم را فسخ و قرار عدم صلاحیت صادر کرده - دادگاه جنائی پس از رسیدگی مجرمیت او را بشرحیکه استدلال نموده ثابت دانسته و از حیث قاچاق اسلحه او را تبرئه و از حیث ایراد جرح منتهی بفوت با رعایت تخفیف او را بده سال حبس موقت با اعمال شاقه محکوم کرده و حکم مزبور در مرحله فرجامی ابرام شده است.

در اثر تقاضای محکوم علیه شعبه ۲ دیوان کشور درخواست تجویز اعاده دادرسی را پذیرفته و رسیدگی مجدد در دادگاه جنائی بعمل آمده است. باین توضیح که دادگاه مذکور با انجام تشریفات مقرر از تعیین و کیل و اخطارهای قانونی و تشکیل جلسه مقدماتی مرکب از پنج نفر و اصدار قرار رفع نقص تحقیقات و ارسال پرونده بدادسرای مربوطه و اعاده آن و تشکیل جلسه مقدماتی دیگر بهمین کیفیت و دستور تعیین وقت و احضار طرفین و رسیدگی با حضور متهم و وکیل مدافع او و استماع اظهارات طرفین و آخرین دفاع متهم و اعلام ختم محاکمه - در پایان کار بشرحیکه مفصلاً استدلال نموده دلایل اقامه شده را برای اثبات اتهام کافی ندانسته و متهم را از اتهام منتسب تبرئه نموده و دادستان استان فرجام خواسته است.

هیئت شعبه دوم دیوان عالی کشور پس از خواندن گزارش و ملاحظه برگهای پرونده و نظریه کتبی دادیار دیوان کشور مبنی بر نقض حکم فرجام خواسته و درخواست رسیدگی

تصمیمات قضایی

ماهوری مشاوره نموده چنین رأی میدهند .

« با آنکه مقتول در زمان متصل بموت جز با قاتل خود برحسب ناموس طبیعت و فطرت کینه ای ندارد ویرا نمیتوان بمنزله شاکی تلقی نمود و اظهارات او کاشف از حقیقت و واقع است خاصه در این مورد که مؤید بشهادت شهود هم بوده است لذاتقاضای رسیدگی ماهوری دادستان دیوان کشور بمورد و ماهیتاً نقض میشود . »

۲- حقوقی (اصول محاکمات)

حکم شماره $\frac{۱۱۴۱}{۴۴/۶/۱}$

راجع بدعاوی غیر قابل رسیدگی فرجامی موضوع ماده ۵۴۲ اصلاحی
اخیر قانون آئین دادرسی مدنی .

شخصی ازحکم دادگاه شهرستان درموردی که خواسته دعوی مقوم بیکهزارریال بوده شکایت فرجامی نموده ودفتر دیوانعالی کشور درخواست فرجامی ویرا باینجهت که در خارج از مهلت قانونی بوده رد کرده و فرجام خواه باجازه ماده ۵۳۸ قانون آئین دادرسی مدنی از آن شکایت نموده است .

شعبه چهارم دیوان عالی کشور دراین مورد چنین رأی داده است :

« چون خواسته دعوی بیکهزار ریال تقویم شده و طبق بند ۱ ماده ۵۲۲ اصلاحی اخیر قانون آئین دادرسی مدنی احکام وقرارهای صادر درمورد دعاوی که خواسته آنها دههزار ریال پاکتر است قابل رسیدگی فرجامی نیست و بطریق اولی شکایت از قرار دفتر دیوانعالی کشور بررد دادخواست فرجامی این دعوی نیز قابل رسیدگی نمیباشد بدین لحاظ شکایت واژه میشود . »

۳- جزائی

حکم شماره $\frac{۳۹۹۰}{۴۴/۱۱/۳۱}$ دیوان عالی کشور

راجع به قتل موضوع ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجازات عمومی .

درموردی که دوازده نفر بارتکاب قتلی سهیم بوده اند و سرانجام کيفرخواست تنظیم و برطبق ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجازات عمومی از دادگاه جنائی حکم مجازات آنسان تقاضا شده است پس از وصول پرونده دادگاه مزبور مقدمات رسیدگی را تهیه کرده و بارعايت مقررات جلسه محاکمه را تشکیل داده ازمتهمین فقط يك نفر حاضر شده وبقیه غایب بوده اند و چون مشارالیه تقاضای تفکیک در رسیدگی نموده نسبت به اورسیدگی شده و پس از شنیدن بیانات طرفین و استماع مدافعات و کیل مدافع دادگاه بالاخره باکثريت رای داده است باینکه برطبق مدارک و دلایل موجوده در پرونده و اوضاع و احوال وقرائن بزهکاری متهم بعنوان آمر و محرک قتل درحدوماده ۱۷۵ مکرر بارعايت ماده ۲۸ و ۲۹ قانون مجازات ثابت است وچون مدعیان خصوصی گذشت کرده اند بادودرجه

تصمیمات قضایی

تخفیف بخش ماه حبس تأدیبی و پرداخت یک هزار ریال محکوم میگردد رای اعلام و محکوم علیه فرجام خواسته است.

هیئت شنبه هفتم دیوان عالی کشور پس از قرائت اوراق مربوط پرونده و ملاحظه گزارش و نظریه دادیار دادرسی دیوان کشور که مبنی بر نقض بوده مشاوره نموده چنین رای میدهند:

«علاوه بر اینکه رسیدگی با اتهام معاون قبل از مجرمین اصلی بالاخص در این مورد خالی از اشکال نمیباشد بطوریکه نتیجه هم مورد اقلیت واقع شده کیفیت معاونت و تأثیر آن در وقوع جرم انتسابی بر فرض تحقق تصویر نگردیده است و چون حکم فرجام خواسته از این جهت مخدوش است بدستور ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی نقض میشود.

۴- حقوقی

حکم شماره ۱۱۴۰/۳۳/۱۱ دیوان عالی کشور

شرکتی از حکم شعبه پنجم دادگاه استان مرکز دائر بمحکومیت خود به پرداخت مبلغ سه میلیون و هفتصد و نود و دو هزار و هفتصد و پانزده ریال و نود دینار در حق شخصی شکایت فرجامی تقدیم و در قبال اخطار دفتر در خصوص مطالبه ۱۱۳/۷۸۳/۴۵ ریال بابت هزینه دادرسی نوشته است که سرمایه شرکت کلا متعلق بدولت و اساسنامه آنرا هم فرستاده اند. مدیر دفتر دیوان کشور باین جهت که نقض دادخواست رفع نشده است دادخواست فرجامی شرکت را رد کرده است این قرار مورد شکایت واقع شده و اعتراض آنستکه شرکت فرجام خواه شرکت دولتی و مجمع عمومی آن شورای عالی برنامه است و چون دولت از پرداخت هزینه معاف است شرکت هم نمیتواند هزینه دادرسی تأدیه نماید. شعبه چهار دیوان عالی کشور پس از خواندن گزارش و قبول دادخواست و ملاحظه نظریه کتبی آقای دادیار دیوان کشور مبنی بر استواری، مشاوره نموده چنین رای میدهند: «چون از ناحیه فرجام خواه اعتراض موجهی نشده و از حیث اصول و مقررات مربوطه هم اشکال مؤثری بنظر نمیرسد قرار مورد شکایت استوار میشود.»

۵- جزائی

حکم شماره ۴۹۸۷/۳۳/۱۱/۱۱۴ دیوان عالی کشور

راجع باختلاس اموال دولتی و خیانت مأمورین، موضوع ماده ۱۵۴ قانون

مجازات عمومی و ماده ۱۰۶ قانون مجازات مختلسمین اموال دولت.

در مورد اتهام کارمند وزارت پست و تلگراف بصدور قبض خلاف واقع و اخذ وجوه مزبور از صندوق و بالتبقیه اختلاس مبلغ ۳۰۵۰۰ ریال بطریق مذکور که مورد تعقیب دادرسی شهرستان واقع و پس از بازجویی و صدور قرار مجرمیت کیفر خواست در حدود

تصمیمات قضائی

ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی و ماده یک قانون مجازات مختلسین اموال دولت بدیوان چنانجی داده شده است .

دادگاه مذکور پس از انجام تشریفات مقدماتی و دستور رفع نقص و انجام آن و دادرسی در هیئت سه نفری بشرحیکه در رأی فرجامخواسته استدلال کرده است ادله موجود در پرونده را کافی برای احراز و تحقق ارتکاب جرم از ناحیه متهم ندانسته و او را تبرئه کرده است .

دادستان استان پرونده را برای درخواست فرجام ماهوی بدادسرای دیوانکشور ارسال و نماینده دادستان کل فرجام ماهوی خواسته رسیدگی شعبه نهم دیوانکشور ارجاع شده است .

هیئت شعبه پس از قرائت گزارش و ملاحظه محتویات پرونده امر و نظریه کتبی دادیار دادسرای دیوانکشور بر درخواست فرجام ماهوی و نقض حکم و مشاوره باتفاق رأی میدهد :

« چون اعتراض نماینده دادستان کل دائر باینکه دلائل و شواهد موجوده در پرونده امر از نظریه کارشناس در مطابق بودن خطوط قبوض مورد اتهام با خطوط مسلم الصدور متهم و اینکه چکهای مربوط بقبوض مزبور درید خود متهم بوده مخالف نظریه دادگاه در برائت متهم است، با توجه بدفاعات متهم و جریان امر و کشف قضیه موجه و وارد بنظر نمیرسد لذا حکم فرجامخواسته ابرام میشود . »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

